



تفکر خلاق در فلسفه به معنای نظریه پردازی در جامعه ما یک ارزش نیست

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران گفت: متأسفانه در جامعه امروز ما تفکر خلاق در فلسفه که به معنای نظریه پردازی یک ارزش نیست و فلسفه به شرح و تفسیر یکی از مکاتب فلسفی پیشین تبدیل شده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران گفت: متأسفانه در جامعه امروز ما تفکر خلاق در فلسفه که به معنای نظریه پردازی یک ارزش نیست و فلسفه به شرح و تفسیر یکی از مکاتب فلسفی پیشین تبدیل شده است.

حجت الاسلام دکتر رضا برنجکار درباره جایگاه تفکر خلاق در فلسفه به خبرنگار مهر گفت: فلسفه به معنای یک تفسیر عقلانی نسبت به جهان، خدا، انسان و دین تعریف می شود و به طور کلی درصدد است تا یک تفسیر عقلانی از هستی ارائه دهد. طبیعی است کسی که قصد نظریه پردازی داشته باشد باید نسبت به تفسیرهای دیگران موضع انتقادی بگیرد، به این معنی که تفسیرهای دیگران را نقد کند و یک تفسیر جدید ارائه دهد. چنین جریانی مسیر اصلی و درست فلسفه است. در واقع منظور از تفکر خلاق در فلسفه، نظریه پردازی است.

وی افزود: متأسفانه در جامعه امروز ما این وضعیت در فلسفه ارزش نیست. امروزه فلسفه به شرح و تفسیر یکی از مکاتب فلسفی پیشین تبدیل شده است و اگر کسی قصد نقادی داشته باشد لزوماً در خصوص فلسفه غرب و فیلسوفانی است که مسلمان نیستند. معمولاً کسانی که فلسفه اسلامی کار می کنند یکی از مکاتب این نوع فلسفه را پذیرفته و همه چیز را از دریچه همان فلسفه می بینند و تنها قصد توضیح و تفسیر همان فلسفه را دارند. این معنای فلسفه در جامعه ما شده است.

این استاد حوزه یادآور شد: در چنین شرایطی اگر کسی فلسفه ملاصدرا را شرح و تفسیر کند و مسائل و مشکلات را بر اساس این فلسفه حل کند کار او را ضد فلسفه بر می شمارند. فلسفه در ذات خود از خلاقیت برخوردار است و کسی که به فلسفه مشغول است باید درصدد نظریه پردازی و ارائه یک نظریه جدید در باب هستی باشد و لزوم آن نقد و بررسی دیدگاه های دیگران است، اما در حال حاضر این در بین ما فلسفه حساب نمی شود.

برنجکار تصریح کرد: در واقع جای فلسفه و ضدفلسفه تغییر پیدا کرده است. اگر کسی یکی از فلسفه های اسلامی را نقد کند و نظریه جدیدی ارائه دهد به جای اینکه عنوان فیلسوف را برای او برگزینند آن را به مقابله با فلسفه متهم می کنند. این در حالی است که شرح و توضیح فلسفه تنها در قالب فعالیت های یک معلم فلسفه می گنجد اما متأسفانه در جامعه ما به چنین فردی فیلسوف گفته می شود، البته ناگفته نماند که این موضوع کلیت ندارد.

وی با بیان اینکه چنین تفکری در دوره ملاصدرا وجود داشت و همچنان نیز ادامه دارد، گفت: وقتی ملاصدرا در زمان خودش نظریه پردازی می کرد نظریه های او را ضدفلسفه به حساب می آوردند. متأسفانه این تفکر چندصد سالی است که بین ما ریشه دوانده و باید اصلاح شود تا فلسفه به مسیر اصلی خود که تفکر خلاق است، بازگردد. تفکر خلاق و فلسفه در دو رشته خلاصه می شوند؛ یکی نظریه پردازی در تفسیر عقلانی هستی و دیگری نقد نظریه های دیگران.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران راهکار جاری و ساری شدن تفکر خلاق در فلسفه را این طور عنوان کرد: مقام معظم رهبری همیشه بر نظریه پردازی و تولید علم تأکید داشته اند. از همین رو باید در این خصوص فرهنگسازی شود. عده ای نظریه پردازی را فقط در علوم

انسانی، جامعه شناسی، روان شناسی و ... خلاصه می کنند در حالی که منحصر به یک حوزه خاص نیست بلکه در همه علوم حتی علوم فنی، پایه، پزشکی و حتی علمی که پسوند اسلامی دارد را شامل می شود.

وی در پایان خاطر نشان کرد: باید توجه داشته باشیم فیلسوفانی که در گذشته نظریه پردازی کرده اند معصوم نبوده اند، بلکه مسلمان بوده اند. معنا ندارد که عده ای می گویند فقط مکتب ملاصدرا را قبول داریم و صد درصد از آن دفاع می کنیم و هیچ نظریه پردازی و نقدی بر آن نداریم. چنین تفکری تنها به معنای تقلید در فلسفه است. چنین نگرش هایی باید تغییر پیدا کند. تا زمانی که نگرش ها بر جای خود باقی بمانند نظریه پردازی صورت نمی گیرد و در صورت انجام نیز چندان مورد توجه قرار نمی گیرد و گرفتار خاک خوردگی می شود. در چنین شرایطی تولید علم نیز تحقق پیدا نخواهد کرد.